

## بررسی و تحلیل آموزه‌های تربیتی دعای عرفه

با تأکید بر مبانی، اصول و روش‌های تربیتی

دکتر علی حاجی خانی<sup>۱</sup>

مرضیه رحمانی فیروزجائی<sup>۲</sup>

لیلا مرادی<sup>۳</sup>

### چکیده

تربیت و روش‌های تربیتی، از جمله راه‌های تکامل انسان و تجلی کمالات خدایی در اوست. از آن‌جا که برای اعتماد یافتن به آموزه‌های دینی، باید از مسیر صحیح به آنها دست یافت، برای شناخت مبانی، اصول و روش‌های مثبت تربیتی ضروری است به قرآن و سنت مراجعه شود. ادعیه معصومان علیهم‌السلام از جمله منابع مهم سرشار از مضامین تربیتی به شمار می‌روند و دعای عرفه، یکی از این دعاهاست. امام حسین علیه‌السلام در دعای عرفه، آموزه‌های تربیتی را به نیکی بیان فرموده است که می‌توان با تحلیلی دقیق و درست به آنها دست یافت. این نوشتار درصدد بوده که با روشی توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع مختلف لغوی و تفسیری، مهم‌ترین آموزه‌های تربیتی دعای عرفه را استخراج و تبیین نماید و به این نتیجه دست یافته است که امام حسین علیه‌السلام در دعای عرفه به آموزه‌های تربیتی خاصی شامل مبانی (خداگرایی و کمال‌جویی)، اصول (اصل تداوم و تریج) و

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس (ali.hajikhani@modares.ac.ir).

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس.

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران (L.moradi91@gmail.com).

روش‌های تربیتی (یادآوری نعمت‌ها، احسان در برابر اسائه و الگوگیری از داستان‌های قرآن) اشاره فرموده است.  
**کلیدواژه‌ها:** دعای عرفه، آموزه‌های تربیتی، مبانی تربیتی، اصول تربیتی، روش‌های تربیتی.

## ۱. مقدمه

تربیت، ایجاد تحولات ثمربخش در محیط زندگی انسان برای ساختن و شکوفایی استعدادهای آدمی در حد کمال است و از جمله ضروریات انکارناپذیر برای بشر و عامل مددسانی در سیر زندگی به شمار می‌آید. در اهمیت تربیت، همین بس که امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه، یکی از وظایف حاکم را اصلاح اهلش دانسته و می‌فرماید:  
... وَاسْتِضْلَاحَ أَهْلِهِ.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرموده است:

إِنْ أُجِلَّتْ فِي عُمْرِكَ يَوْمَيْنِ فَاجْعَلْ أَحَدَهُمَا لِأَدَبِكَ لِتَسْتَعِينَ بِهِ عَلَى يَوْمِ مَوْتِكَ؛  
(بروجردی، ۱۳۸۶: ۲۴/۳۵۲)

اگر از عمرت تنها دو روز باقی باشد، یک روز از آن را به فراگیری ادب و تربیت اختصاص بده تا روز مرگت از سرمایه‌های اخلاقی روز قبل یاری بخوایی.

### ۱-۱. بیان مسئله

اسلام برای تربیت اهمیتی ویژه قائل است. برای مثال، در قرآن کریم هر جا از رسولان سخن به میان می‌آید، تعلیم، تربیت و تزکیه را برنامه اصلی آنان برمی‌شمارد. خداوند متعال به تمام انسان‌ها، آزادی را عنایت فرموده و این اجازه را به آنها داده که در تحصیل علم و دانش با جدّیت و کوشش و در راه بهبود وضع معنوی و مادی به پیش بروند و به مقامی برسند که از ملائکه نیز برتر باشند، بلکه به مقام خلافت‌اللهی برسند.  
اگر انسان از تعلیم و تربیت صحیح دینی برخوردار باشد و الهی بار آید، می‌تواند جامعه را به سوی کمالات انسانی و الهی سوق دهد، افراد جامعه را از نابودی و فرورفتن در انحرافات اخلاقی و فساد اجتماعی نجات دهد و جامعه‌ای به وجود آورد که الگوی همه انسان‌ها قرار گیرد. برای این هدف لازم است تربیت اصیل و مبانی، اصول و روش‌های آن



از طریق منبع و مرجعی صحیح و اسلامی در اختیار رهروان این راه قرار گیرد. مسئله تربیت، همواره مورد توجه اولیای دین بوده و آن بزرگواران در ادعیه و روایاتی فراوان، بر آن اهتمام و تأکید داشته‌اند. از جمله این ادعیه، دعای عرفه امام حسین علیه السلام است که در آن به مسئله تربیت، توجهی ویژه شده است. برای کاربردی کردن این اصول و روش‌های تربیتی در زندگی روزمره، نیاز جدی به استخراج این اصول و روش‌های تربیتی از متن دعای عرفه احساس می‌شود و هدف پژوهش حاضر، پرداخت به این مهم است.

### ۲-۱. پرسش‌های پژوهش

۱. مهم‌ترین مبانی تربیتی استفاده شده در دعای عرفه چیست؟
۲. مهم‌ترین اصول تربیتی به کار رفته در دعای عرفه چیست؟
۳. در مضامین دعای عرفه، چه روش‌های تربیتی به کار رفته است؟

### ۳-۱. پیشینه پژوهش

۱. مقاله «آیین بندگی در نظام تربیت ناب حسینی مبتنی بر دعای عرفه»، محمدجواد مکرّم سائل و سعید بهشتی، مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۱۳.

نویسنده در این مقاله با الهام از مضامین دعای عرفه مملوکیت مطلق، تعلق مطلق، تفکر در آثار و آیات و شرم نقصان و استغفار مداوم را مطرح نموده و در ادامه به تربیت عارفانه اشاره کرده و حقیقت بندگی، محبت، اطاعت محض، تجلی وجه اجتماعی بندگی و... را بر شمرده است.

۲. پایان نامه تحلیل دعای عرفه امام حسین علیه السلام بر اساس مبانی تربیتی در اسلام، دانشگاه الزهراء علیه السلام - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۱۳۹۳، کارشناسی ارشد، راهنما: عزت‌خادمی، استاد مشاور: فاطمه رضازاده، دانشجو: ساره کربلایی.

نویسنده برای رسیدن به هدف یادشده به اهداف جزئی شامل دعا در لغت و اصطلاح، زمینه بحث تاریخی دعا، دعا از منظر قرآن و روایات، آشنایی با آداب دعا، نقش تربیتی دعا در اسلام و آثار آن، تربیت در لغت و اصطلاح، تعلیم و تربیت در اسلام و

اهداف، اصول و مبانی تربیتی آن و تحلیل دعای عرفه براساس این مبانی پرداخته و پس از تجزیه تحلیل یافته‌ها، به این نتایج دست یافته است: نقش دعا در تربیت اسلام بسیار مهم است. تربیت سبب رشد استعدادها و قرار گرفتن انسان در مسیر اعتدال می‌گردد و زمانی که تربیت با دعا عجین و یکی شود، افزون بر آن، روح و روان انسان را از ذایل اخلاقی تهذیب و به کمال نسبی خود می‌رساند و از جمله آثار آن، سبب قرب الهی، آرامش درونی، بصیرت‌یابی، اصلاح رفتار، اعتماد به نفس و نشاط درونی می‌شود. مبانی تربیتی در اسلام با توجه به کتاب باقری، تأثیر ظاهر بر باطن، تأثیر باطن بر ظاهر، ظهور تدریجی شاکله، تأثیر شرایط بر انسان، مقاومت و تأثیرگذاری بر شرایط، جذب‌ه حسن و احسان، تطوّر و وسع آدمی، کرامت، اندیشه‌ورزی، آشنایی و بیگانگی با خدا، ضعف و دل‌بستگی، آزمندی و شتاب است. همچنین دعای عرفه با توجه به مبانی تربیتی بالا، به جز تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر شرایط بر انسان، تقریباً همگی مبانی ذکر شده را دربر می‌گیرد. وی کتاب باقری را مبنای کار خود در بررسی مبانی تربیتی قرار داده و به بحث و بررسی این مبانی در دعای عرفه پرداخته است.

پژوهش حاضر برعکس موارد یادشده، افزون بر مبانی، به اصول و به ویژه روش‌های تربیتی دعای عرفه می‌پردازد که جهت تربیت اسلامی انسان برای رسیدن به کمال و قرب الهی، الگوها و راهکارهایی صحیح ارائه دهد.

## ۲. مفاهیم نظری تحقیق

در این بخش از پژوهش، به نظریه‌های مختلف در تعریف تربیت و نیز مؤلفه‌های موجود در تعریف آن پرداخته می‌شود.

### ۱-۲. مفهوم‌شناسی تربیت

#### ۱-۱-۲. تربیت در لغت

واژه تربیت، مصدر باب تفعیل است و برای آن «ربب» و «ربو» را ذکر کرده‌اند. از نظر راغب، «ربو» ریشه اصلی و اولی واژه تربیت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۰). این منظور نیز ریشه «ربو» را برگزیده و معتقد است این ریشه شامل پرورش و رشد همه ابعاد

انسان از هر لحاظ می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۹: ۳۰۵/۱۴). صاحب‌العین نیز ریشه آن را «ربو» به مفهوم غذا دادن و بزرگ کردن دانسته (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۸۳/۸)، اما برخی دیگر آن را از ریشه «ربب» گرفته و می‌گویند: رب در اصل به معنای مالک و صاحب چیزی است که به تربیت و اصلاح آن می‌پردازد و باید توجه داشت که رب از ماده «ربب» است، نه «ربو» (یعنی ماده اشتقاق آن مضاعف است و نه ناقص) و به هر روی در معنای آن پرورش و تربیت نهفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۰/۱).

برخی محققان معاصر تربیت اسلامی معتقدند معنای ریشه اول (ربب) ناظر به همه ابعاد وجود انسان است و ریشه دوم (ربو)، تنها پرورش ابعاد جسمی و مادی است. در قرآن کریم، مفهوم تربیت از ریشه «ربو»، چندان مورد توجه قرار نگرفته و در مواردی که این کلمه درباره انسان به کار رفته، عمدتاً مفهوم رشد و نمود جسمی مراد بوده است (باقری، ۱۳۸۶: ۵۲/۱). بنابراین چه ذکر شد تربیت دارای ریشه‌ای قطعی و ثابت نیست، بلکه بین دو ریشه «ربو» و «ربب» مردد است؛ گاه ریشه «ربو» در معنای «ربب» و گاهی نیز ریشه «ربب» در معنای «ربو» به کار رفته است.

## ۲-۱-۲. تربیت در اصطلاح

از آن جا که موضوع، تربیت انسان است و انسان نیز موجودی پیچیده و دارای ابعاد گوناگونی است، ارائه تعریفی که تمام ابعاد وجودی و ساخت‌های مختلف انسان را در بر گیرد، قدری سخت است و دلیل دیگر که کار ارائه تعریف تربیت را دشوار می‌کند، ماهیت این علم است. به عبارتی، تربیت برخلاف علم روان‌شناسی، افزون بر هست‌ها با باید‌ها نیز سروکار دارد. مثلاً روان‌شناسی به ما می‌گوید: انسان چگونه یاد می‌گیرد، ولی نمی‌تواند بگوید چه چیزی را باید بیاموزد (کاردان و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۳۶). از این رو مکاتب مختلف هر کدام به زاویه‌ای از زوایای وجودی انسان چشم دوخته‌اند. دانشمندان اسلامی نیز به همین سیاق برای تربیت اسلامی تعاریف متعددی را ارائه داده‌اند: انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت که بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود به طور هماهنگ پرورش دهد و شکوفا سازد و به تدریج به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند (امینی، ۱۳۷۸: ۱۴)؛ یا عبارت از

به فعلیت رساندن قوا و استعداد‌های انسان و ایجاد کردن تعادل و هماهنگی در آنها، برای رسیدن به کمال مطلوب یعنی قرب الهی و متخلق شدن به اخلاق خدایی و مؤدب شدن به آداب الهی است (امین‌زاده، ۱۳۷۶: ۹-۱۶). تعریف دیگر عبارت است از شناخت خداوند به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر او (باقری، ۱۳۸۶: ۱/۶۱).

شهید مطهری نیز در تعریف تربیت چنین می‌نویسد:

تربیت در انسان به معنای پرورش دادن استعداد‌های اوست و این استعدادها در انسان عبارت است از استعداد عقلی (علمی و حقیقت‌جویی)، استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، بُعد دینی (حس تقدیس و پرستش)، بُعد هنری و ذوقی یا بُعد زیبایی و استعداد خلاقیت ابتکار و ابداع. (نک: مطهری، ۱۳۶۹: ۵۶-۵۷)

برخی دیگر نیز در تعریف تربیت می‌گویند: «تربیت، هدایت جریان رشد، یعنی به کار بستن تدابیر مقتضی برای فراهم آوردن شرایط مساعد برای رشد در جهت مطلوب است» (شکوهی، ۱۳۷۰: ۳۰). بنابراین وجه مشترک همه تعاریف، فراهم کردن شرایط بروز و ظهور قوای وجودی هر موجود (اسدی گرمارودی، ۱۳۶۹: ۱۶) در زمینه کمال مطلوب یا قرب الهی است.

## ۲-۲. مفاهیم و مؤلفه‌های مطرح در تربیت

تعاریف ارائه شده از تربیت از سوی متخصصان این علم، هر یک واجد مؤلفه‌هایی از مفهوم تربیت اسلامی است. برای تحلیل مفهوم تربیت اسلامی باید این مفاهیم را شناسایی و تعریف کرد، سپس جایگاه آنها را در مفهوم تربیت اسلامی مورد کاوش قرار داد. مؤلفه‌های مورد نظر در تعاریف منتخب تعلیم و تربیت اسلامی چنین‌اند:

### ۲-۲-۱. تعریف مبانی

مبانی به معنای شالوده و اساس است و در تربیت، گزاره‌هایی وجود دارد که بیانگر ویژگی‌های عمومی آدمی است و به شکل قضایای حاوی «است» قابل بیان هستند

(باقری، ۱۳۸۶: ۸۹/۱). به بیان دیگر، مبانی تعلیم و تربیت، از موقعیت انسان و امکانات و محدودیت‌های او و از ضرورت‌هایی که حیات آدمی همواره تحت تأثیر آنهاست بحث می‌کند (شکوهی، ۱۳۷۰: ۶۱).

در واقع مبانی یک سری ویژگی‌ها و صفات - منفی و مثبت - انسانی است که در همه انسان‌ها وجود دارد و اصول تربیتی بر آنها مبتنی هستند. از جمله مبانی که در کتاب‌های تربیتی از آنها نام برده شده، کمال‌خواهی، خداگرایی، میل به جاودانگی، دنیادوستی و حب به ذات است که از میان این مبانی مبنای کمال‌خواهی و خداگرایی از دعای عرفه استنباط می‌شود.

#### ۲-۲-۲. تعریف اصول

«اصل» به معنای ریشه، اساس، بنیان و تکیه‌گاه آمده است. اصول به مانند تکیه‌گاه نظری و عملی تربیت است که بر اساس آن می‌توان روش‌ها و شیوه‌های تربیتی را اخذ کرد و به عنوان راهکارهای اساسی، در فعالیت‌های تربیتی مورد استفاده قرار داد (هوشیار، ۱۳۷۲: ۲۰). معمولاً اصول تربیت قواعد همگانی است که می‌توان آنها را به منزله دستورالعمل کلی در نظر گرفت و از آن به عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی استفاده کرد؛ یعنی این اصول مبنای اصول استخراج روش‌های تربیتی به شمار می‌رود و روش‌ها مرتب بر این اصول است (باقری، ۱۳۸۶: ۸۷-۸۸).

اصول به منزله معیار یا قاعده کلی است که با در دست داشتن آن می‌توان در مواجهه با شرایط تازه و پیچیده‌تر با نظر به اقتضای معیار یاد شده به ابداع روش تربیتی مناسب اقدام کرد (همو). در کتاب‌های تربیتی از اصول بسیاری نام برده شده که برای مثال، به چند نمونه اشاره می‌شود: اصل تغییرپذیری، اصل تدریج و تداوم، اصل عزت و شرافت انسانی، اصل مسئولیت، اصل لزوم به عمل و مبارزه با جهل که با دقت در دعای عرفه می‌توان اصل تدریج و تداوم را یافت.

#### ۳-۲-۲. تعریف روش

روش، به مجموعه شیوه‌ها و تدابیری گفته می‌شود که برای شناخت حقیقت و برکناری از لغزش به کار می‌رود. به طور دقیق‌تر روش، مجموعه ابزار یا فنونی که آدمی را در مسیر

رسیدن از مجهولات به معلومات راهبری نمایند (فره‌مینی فراهانی، ۱۳۷۹: ۳۶۹). همچنین گفته شده: منظور از روش، وسایل و وسایطی است که با استفاده از آن، شخص می‌تواند معارف و تعلیمات حق و اخلاق پسندیده را در خود یا دیگری پیاده کرده و عمق بخشد و ناپاکی‌ها و زشتی‌ها را از روح خود یا دیگری بزدايد (موسوی کاشمیری، بی‌تا: ۳). از جمله روش‌ها و راه‌کارهایی که در کتاب‌های تربیتی به عنوان آیین و روش‌های تربیتی نام برده می‌شود می‌توان به تفکر، مشارطه، مراقبه، محاسبه، مؤاخذه، یادآوری، تکریم شخصیت، محبت‌ورزی، بشارت و انداز، داستان‌سرایی، عبرت‌آموزی، الگوگیری و اسوه‌پذیری، رفق و مدارا، تشویق و تنبیه و... اشاره کرد (نک: همو: ۱۳۹ - ۱۴۳؛ اسدی گرمارودی، ۱۳۶۹: ۳۳ - ۹۳).

### ۳. مبانی، اصول و روش‌های تربیتی دعای عرفه

دعای عرفه امام حسین علیه السلام مفاهیم و مضامین تربیتی فراوانی را در خود جای داده است. در این پژوهش بر اساس مؤلفه‌های موجود در تعریف تربیت (مبانی، اصول و روش‌ها) به این مضامین اشاره می‌شود.

#### ۳-۱. مبانی تربیتی در دعای عرفه

خداگرایی فطری و کمال‌جویی، از مهم‌ترین مبانی تربیتی به شمار می‌روند که در دعای عرفه امام حسین علیه السلام قابل دریافت و بررسی است.

#### ۳-۱-۱. خداگرایی فطری

در نهاد و فطرت بشر، نوعی گرایش، شناخت و بینش غیر اکتسابی نسبت به ذات پاک خداوند وجود دارد. هرکس در درون خود می‌یابد که به کسی یا چیزی علاقه دارد که گویی همواره روان او را مانند مغناطیس نیرومندی به سوی خود می‌کشاند (مصباح یزدی، بی‌تا: ۲۹). این گرایش و شناخت غیر اکتسابی، به استدلال و اثبات نیاز ندارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا﴾؛ (یونس: ۱۲)

و چون انسان را آسیبی رسد، ما را به پهلو خوابیده یا نشسته یا ایستاده می‌خواند.



از جمله نمونه‌های این گرایش فطری در دعای عرفه، این کلام امام حسین علیه السلام است که می‌فرماید: «مُقَرَّبًا بِأَنَّكَ رَبِّي» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۲۸) که در آن، به ربوبیت خداوند اقرار شده است و نیز «فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ» (همو: ۵۴۷). امام علیه السلام گرایش خاص خود را به برترین و کامل‌ترین موجود، یعنی خداوند بیان می‌فرماید. گرایش به خدا به عنوان خالق انسان و رفع‌کننده نیازها و مشکلات او، در انسان وجود دارد؛ یعنی صبغه آدمی صبغه الهی است: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره: ۱۳۸) و انسان بر فطرت خداوندی آفریده شده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم: ۳۰) و زبان دل آدمیان به پروردگاری الله گواهی می‌دهد: «لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ» (زخرف: ۸۷) و «وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ» (لقمان: ۲۵) و این نشان می‌دهد که یک معرفت اولیه قلبی، نسبت به کانون هستی و تمایل به او در آدمی وجود دارد.

عبارت «فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۲۹) نیز بیانگر فطرت خداگرایی امام حسین علیه السلام است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾. (اعراف: ۱۷۲)

ظاهر کلی این آیه، بر میثاق گرفتن خدا از انسان برای اتمام حجت بر ربوبیت خویش دلالت دارد. اما روایات معصومین علیهم السلام همسویی این آیه را با آیه فطرت ثابت می‌کند. از جمله این روایات، روایتی است که زراره از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که این آیه را به قرارداد معرفت در قلب‌های بنی آدم تفسیر کرده است:

... قال ثبت المعرفة في قلوبهم. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳/۳۸۰)

### ۳-۱-۲. کمال جویی

از دیگر مبانی تربیتی در این دعا، کمال جویی است که از جمله گرایش‌های مهم و بنیادین فطری انسان به شمار می‌رود. البته غریزه عشق به کمال، به عالم انسانیت اختصاص ندارد، بلکه حیوانات نیز به طور کامل از آن برخوردارند. آنها نیز طالب کمال

خود هستند و به سوی آن می‌روند که مناسب زندگی آنها باشد و از آن چه به ضررشان تمام می‌شود، گریزانند؛ اما امتیاز انسان از حیوان این است که گزینه عشق به کمال در انسان به مراتب قوی‌تر از حیوان است؛ زیرا از راهنمایی عقل برخوردارند (مکارم شیرازی، ۱۳۴۴: ۲۷). به سبب همین ویژگی است که انسان فطرتاً طالب کمال نامحدود است (مصباح یزدی، بی‌تا: ۱۶۴). دلیل وجود این گرایش، شهود با علم حضوری فطری است. با دقت نظر در دعای عرفه امام حسین علیه السلام عبارت‌هایی دیده می‌شود که بر حس کمال جویی آن حضرت در ابعاد مختلف دلالت دارد:

### ۱-۲-۱-۳. بُعد کمال دنیوی

**الف) سلامتی:** امام علیه السلام با عبارت ذیل، کمال سلامتی را از خداوند می‌خواهد:

وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصْرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي؛ (قمی، ۱۳۸۶: ۵۲۴)

مرا از جوارح بدنم بهره‌مند کن و گوش و چشمم را وارث من قرار بده.

این عبارت امام حسین علیه السلام مشابه دعای پیامبر صلی الله علیه و آله است که در نماز صبحش می‌خواند:

اللَّهُمَّ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي بَصْرِي وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۰/۸۳)

امام علی علیه السلام نیز در دعای کمیل از خداوند منان این چنین درخواست می‌فرماید:

يَا رَبِّ قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَاشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي؛

بارالها! در مقام بندگی‌ات به اعضا و جوارح من قوت بخش و ارکان وجودم را به خوف و خشیت سخت بنیان ساز.

### ب) برکت در رزق و روزی:

وَفِيهَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي؛ (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۵)

در آن چه روزی‌ام دادی برکت ده.

واژه «برکت» بردوام و بقا و عدم زوال، دلالت دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۱۹). هر نعمتی که خداوند به کسی عطا کرده، اعم از مال و فرزند، علم و... ممکن است خیر و برکت داشته باشد و موجب دوام و بقای یاد و آثار آن متنعم گردد و ممکن است بدون

برکت باشد و چنین اثر و ثمری نداشته باشد (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲/۱۴۹). بدیهی است بسیاری از ثروتمندانی که صاحبان نعمت و اولاد هستند، نه تنها از نعمت‌ها و سرمایه‌های خود بهره‌ای نبرده‌اند، بلکه حتی باعث بدبختی آنها شده است. از این‌رو در این بند، امام کمال رزق و روزی را از خدا خواسته و فرموده است:

در آن چه از نعمت‌های روزی‌ام کرده‌ای، به من برکت و خوشبختی عنایت کن.

امام صادق علیه السلام نیز در دعایی برکت در روزی را از خدا خواسته است:

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ... وَرِزْقاً وَاسِعاً غَيْرَ مُمْنُونٍ وَلَا مَحْظُورٍ فَارِزُقْنِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَاجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي. (طوسی، ۱۴۰۷: ۳/۷۵)

ج) یاری در مقابله با ظالمان: امام دربندی دیگر از دعا، از خداوند خواهان کمال

پیروزی بردشمن است:

وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَآرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَاءِ رِي وَأَقْرِبْ لِي كَلِمَةً (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۴)  
مرا بر آن کس که به من ستم کرده یاری ده و انتقام‌گیری و آرزویم را درباره‌اش به من بنمایان.

بر این کلام امام علیه السلام دو احتمال وارد است:

احتمال اول؛ مقصود از ظالم، شخصی خاص نبوده، بلکه امام علیه السلام به طور کلی از خداوند درخواست پیروزی بر ظالمان را کرده است. احتمال دوم؛ امام علیه السلام در این فقره از دعا، از آینده خبر می‌دهد؛ این که عاقبت این سفر که از مدینه بیرون آید، شهادت است. این احتمال نزدیک‌تر است؛ زیرا در این بند به ستمکاری دشمن و خون خود اشاره می‌کند (زمردیان، ۱۳۸۰: ۳۶۹؛ نقوی، ۱۳۷۱: ۱۴۲). این عبارت امام علیه السلام این آیه از قرآن را به ذهن تداعی می‌کند؛ هنگامی که طالوت و سپاه او با لشکر نیرومند جالوت روبه‌رو شدند گفتند:

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أقدامَنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾.

۱-۲-۲- کمال معنوی و قرب إلى الله

الف) سعادت جویی از طریق تقوا:

وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ؛ (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۳)

مرا به تقوای از خود سعادت‌مند گردان.

امام علیه السلام در این عبارت، تقوا را - که از بالاترین درجات سعادت است - از خدا می‌طلبد؛ تقوایی که در آزمایش دینی و محک قانونی آسمانی است، تقوایی الهی است که قطعاً ضامن سعادت و رستگاری دنیا و آخرت است (زمردیان، ۱۳۸۰: ۳۴). چنین تقوایی مصداق این آیه شریفه است:

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَنِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَجْدُودٌ﴾. (هود: ۱۰۸)

(ب) **ترک معصیت:** کمال معنوی دیگری که امام علیه السلام از خدا می‌طلبد، توفیق بر ترک معصیت است. ایشان می‌فرماید:

وَلَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ؛ (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۳)

مرا با عصیان به مقام تو بدبخت نکن.

معصیت و نافرمانی خداوند باعث بدبختی انسان می‌شود، در حالی که هیچ‌یک از آدمیان، فطرتاً خواهان بدبختی نیستند. از این رو امام علیه السلام این کمال را از خدا می‌خواهد. «شقاوت» مصدر «شَقِيَ يَشْقَى» به معنای بدبختی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۰) و محروم شدن از خیرات (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/۱۴) است و خلاف سعادت به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، شقاوت، نداشتن قابلیت رحمت است که از عصیان و عدم ایمان به وجود می‌آید (قرشی، ۱۴۱۲: ۴/۶۱). «معصیت» مصدر «عَصَى يَعْصِي» به معنای سرکشی و اطاعت نکردن از فرمان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۰). از این رو امام علیه السلام درخواست دوری از عصیان و گناه کرد که از این نوع بدبختی خلاصی یابد و از گزند جایگاه اشقیاء - که در دوزخ هستند - محفوظ و برکنار باشد.

(ج) **دور بودن از شیطان:**

وَإِخْسَاءً شَيْطَانِي؛ (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۴)

شیطانم را از من دور کن.

امام علیه السلام در این فراز، از خداوند می‌خواهد شیطان و اهریمن را از او دور کند. اگر شیطان



در انسان نفوذ کند، با تسلط و قدرت خود، او را به راه‌هایی می‌کشاند که مطلوب یک انسان واقعی نیست و امام علیه السلام کمال دور بودن از شیطان را از خدا می‌خواهد. این کلام امام علیه السلام مطابق مضمون این آیه است که می‌فرماید:

﴿وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ﴾ (حجر: ۱۷)

و از هر شیطان رانده شده حفظش نمودیم.

د) **درجه عالی دنیوی و اخروی:** امام حسین علیه السلام درجه‌ای عالی را در دنیا و آخرت از خدا خواسته و فرموده است:

وَأَجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْأُخْرَى وَالْأُولَى؛ (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۴)

بالاترین رتبه دنیا و آخرت را برایم قرار بده.

تقاضای امام علیه السلام در این فراز از دعا در رفعت مقام و ارتقا به مراتب عالی درجات مقام قرب در دنیا و آخرت است؛ چون مقامی بالاتر از مقام قرب به سوی حق تعالی وجود ندارد (نک: زمردیان، ۱۳۸۰: ۳۴۸؛ نقوی، ۱۳۷۱: ۳۸۲) و این امر جز به اراده و مشیت حق تعالی میسر نمی‌شود؛ همچنان که در داستان حضرت یوسف آمده است:

﴿تَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾. (انعام: ۸۳)

### ۲-۳. اصل تربیتی تداوم و تدریج در دعای عرفه

یکی از شئون اساسی که تحقق آن برای نیل به مقصود، ضروری است و بدون آن احتمال رسیدن به نتیجه بسیار ناچیز می‌شود، اصل مداومت و تدریج است. هیچ انسانی جز با حرکت تدریجی و مناسب، به کمالات الهی دست نمی‌یابد. همچنین، عکس این مطلب نیز صادق است؛ یعنی هیچ انسانی یک باره تباه نمی‌شود.

سیر تربیت، امری تدریجی است و جز با استمرار و رعایت توانایی و قدرت افراد تحقق نمی‌یابد. این امر در هر حرکت و فعل تربیتی باید مد نظر قرار گیرد تا تربیت به نتیجه برسد (دلشاد تهرانی، ۱۳۳۴: ۴۶). از آن جا که شروع به هر حرکت، برای رسیدن به مقصودی است و همه سختی‌های راه، با تصوّر نیل به هدف، قابل تحمل می‌شود و نقطه افضل کار، نقطه اتمام و نتیجه آن است و این نیز بدون مداومت داشتن بر عمل حاصل نمی‌آید، این

اصل، از جمله اصول مهم تربیتی به شمار می‌رود و در تربیت افراد، تأثیری بسزا دارد. با دقت نظر در دعای عرفه امام حسین علیه السلام روشن می‌شود که آن حضرت، اهداف و اغراض خود را پیوسته در این دعا بیان می‌دارد. برای مثال، امام علیه السلام در یادآوری نعمت‌های الهی، آنها را به صورت یک جا یادآوری نمی‌کند؛ بلکه به صورت مداوم و تدریجی در سراسر دعا ذکر فرموده است.

### ۳-۳. روش‌های تربیتی دعای عرفه

روش، عبارت از مجموعه فعالیت‌ها و شیوه‌هایی است که برای شناخت حقیقت و برکناری از لغزش‌ها جهت رسیدن به هدف به کار برده می‌شود. در واقع روش‌های تربیت به فعالیت‌های نظام‌دار و هدف‌دار و هدایت‌کننده‌ای گفته می‌شود که مربی به منظور برکناری از لغزش و شناخت حقیقت با استفاده از امکانات موجود، اجرا می‌کند تا تربیت‌شونده به هدف رشد و کمال نایل گردد.

از جمله روش‌های تربیتی که در دعای عرفه امام حسین علیه السلام می‌توان ذکر کرد، روش یادآوری نعمت‌ها، روش احسان در برابر اسائه و روش الگوگیری از داستان‌سرایی قرآن کریم است. هر یک از این روش‌های تربیتی در ادامه با عنایت به فرازهای مربوط به دعا بررسی می‌شوند.

### ۳-۳-۱. روش یادآوری نعمت‌ها

نعمت‌های خداوند مهربان به انسان، قابل شمارش نیست. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا﴾. (نحل: ۱۸)

در این میان غفلت و فراموشی، آفتی بزرگ است که انسان را دچار خود می‌سازد. یادآوری نعمت‌ها، روش تربیتی بسیار مؤثری است که مریبان بزرگ بشری، یعنی خداوند و انبیا و اولیای الهی، آن را به طور گسترده به کار برده‌اند و سایر مریبان نیز باید با الهام گرفتن از آنان، این شیوه را در پیش گیرند. امام حسین علیه السلام در فرازهای مختلف دعای عرفه، از این روش مهم تربیتی بهره‌جسته و نعمت‌های مختلفی را یادآوری می‌فرماید که از جمله

آنها می‌توان به نعمت «توجه و عنایت خداوند»، نعمت «خلقت و کیفیت آن»، نعمت‌های «امنیت» و «حفاظت» و «مادی» و «معنوی» اشاره کرد. آن چه در ادامه می‌آید، واریسی تذکر امام به این نعمت‌هاست.

### ۳-۱-۱-۳. نعمت عنایت

إِنْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً؛ (قمی، ۱۳۸۶: ۵۲۸)  
وجود مرا به رحمت خود آغاز کردی، پیش از آن که چیز قابل ذکری باشم.

نخستین نعمتی که امام حسین علیه السلام از آن نام می‌برد، نعمت توجه و عنایت خدا پیش از وجود است. با اندکی تأمل درمی‌یابیم که این یادآوری امام علیه السلام برگرفته از آیه اول سوره انسان است که می‌فرماید:

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً؛ (دهر: ۱)  
آیا انسان را آن هنگام از روزگار [به یاد] آید که چیزی درخور یادکرد نبود؟

این آیه نیز اشاره به برهه‌ای از زمان دارد که انسان چیز قابل ذکری نبود؛ برخلاف سایر موجودات مانند افلاک و کرات و زمین که موجود و قابل اشاره بودند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰/۱۲۰).

امام علیه السلام در ادامه، عنایت و لطف دیگر خداوند را یادآوری می‌شود و می‌فرماید:

لَمْ تُخْرِجْنِي لِإِرْفَاتِكَ بِي وَ لُطْفِكَ لِي وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ. (قمی، ۱۳۸۶: ۵۲۸)

در این فراز از دعا، آن حضرت از این که خداوند آغاز زندگی اش را در زمان تیره و سیاه حکمرانان کفر که پیمان خدا را می‌شکستند و پیامبران او را تکذیب می‌کردند قرار نداد، بلکه ایشان را در زمانی که مناسب با رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله بود و هدایتش در آن برهه از زمان میسر و راه رسیدن به مقامات عالیه و مکارم اخلاقی فراهم بود به جهان آورد، به عنوان یک نعمت الهی یاد می‌کند (مدرس بستان آبادی، ۱۳۷۹: ۶۴). با کمی تتبع درمی‌یابیم این کلام امام علیه السلام به آیات ۲۷ سوره بقره، ۱۲ سوره توبه، ۲۵ سوره فاطر و ۱۴ سوره ص اشاره دارد.

### ۳-۱-۲. نعمت خلقت و آفرینش

مراحل مختلف خلقت و آفرینش از دیگر نعمت‌هایی است که امام حسین علیه السلام به آن اشاره می‌فرماید. آن حضرت با عبارت «وَحَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۴) به اولین مرحله خلقت که از خاک است اشاره می‌کند؛ چون مراتب تکون و پیدایش انسان، چه مرتبه نطفه، چه علقه، چه مضغه و چه مراتب پس از آن، همه از مواد غذایی زمین است که پدر و مادر او می‌خورند و فرزند در صلب پدر و رحم مادر رشد می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶/۳۹۰). در حقیقت، این کلام امام حاکی از سخن خداوند در سوره روم است؛ آن جا که می‌فرماید:

﴿وَمِن آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ﴾. (روم: ۲۰)

خداوند در آیه‌ای دیگر نیز به آفرینش انسان از خاک که اولین و مهم‌ترین موهبت الهی بر اوست تأکید می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً﴾. (غافر: ۶۷)

امام علیه السلام تنها به ماده آفرینش خود که خاک است، اکتفا نمی‌کند؛ بلکه یادآور این نکته نیز می‌شود که خداوند او را از بهترین خاک آفریده است: «حَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ التُّرَابِ». سپس به خلقت تدریجی‌اش برای این که به صورت نطفه از صلبی به صلب دیگر منتقل می‌شود و خلقتش از منی و سکونتش در ظلمات سه‌گانه اشاره دارد:

فَلَمْ أَزَلْ طَاعِنًا مِنْ صُلْبٍ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُومِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْحَالِيَةِ...  
فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيِّ يُمْنِي وَأَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ؛ (قمی، ۱۳۸۶: ۵۲۸)

همیشه در روزگاران پیش و قرن‌های گذشته از صلبی به سوی رحمی در حرکت و ارتحال بودم.... سپس خلقت مرا از آبی گندیده ایجاد نموده‌ای و آن را در تاریکی‌های سه‌گانه گوشت و خون و پوست قرار دادی.

در کلام امام علیه السلام عبارت «مِنْ مَنِيِّ يُمْنِي»، برگرفته از آیه قرآن است؛ آن جا که خداوند به تحوّل و تکامل نطفه انسان در مراحل گوناگون عالم جنین استناد می‌کند و می‌فرماید:





﴿أَمْ يَكُ نُظْفَةٌ مِنْ مَيِّ يُمْنِي﴾ (قیامه: ۳۷)

عبارت سکونت در ظلمات سه‌گانه با مضمون آیه ﴿يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ﴾ (زمر: ۶) مطابق است. مفسران در تفسیر ظلمات سه‌گانه گفته‌اند که منظور از آن، تاریکی شکم، تاریکی رحم و تاریکی مشیمه (تخمدان) است (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۷، ۷۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸/۲۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ۳۸۴).

### ۳-۱-۳-۳. نعمت کیفیت آفرینش

امام علیه السلام نه تنها به خلقتش از خاک، آن هم از بهترین خاک و خلقتش از منی اشاره دارد، بلکه کیفیت آفرینش را نیز یادآور شده و در چند فراز به این امر پرداخته است. در یک جا می‌فرماید:

فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً؛ (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۴)

مرا مخلوقی مستوی الخلقه قرار دادی.

به گفتهٔ راغب، «سوی» به چیزی می‌گویند که از افراط و تفریط در اندازه و کیفیت به دور باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۴۰). این کلام امام علیه السلام یعنی هر عضو از اعضای پیکرش با نظم‌بندی عجیبی موزون و هماهنگ شده‌اند (نک: زمردیان، ۱۳۸۰: ۳۸۷؛ مدرس بستان‌آبادی، ۱۳۷۹: ۱۸۶). در جایی دیگر می‌فرماید: «فَعَدَّلْتُ فِطْرَتِي؛ فِطْرَتِي را معتدل ساختی» که مصداق این آیه شریفه است:

﴿الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَّلَكَ﴾. (انفطار: ۷)

مقصود از فطرت، طبیعت است و مراد از اعتدال، همان اعتدال قوه غضبیه، شهویه، تفکرات و غرایز درونی و خصایص انسانی و اخلاقی انسانی است (نک: مدرس بستان‌آبادی، ۱۳۷۹: ۱۸۶؛ نقوی، ۱۳۷۱: ۱۵۲).

امام علیه السلام در ادامه نه تنها به اعتدال در فطرت و باطن خلقتش اشاره دارد، بلکه زیبایی *حَسَن* و صورت خلقت خویش را نیز یادآور می‌شود و می‌فرماید:

رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي. (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۴)

نعمت زیبایی حُسن و صورت در خلقت انسان، انکارناپذیر است. این جمله امام ا به این که مرا از نطفه به نیکوترین صورت آفریدی اشاره دارد (نقوی، ۱۳۷۱: ۱۵۳). قرآن درباره زیبایی خلقت، آیات گوناگونی دارد؛ از جمله فرموده است:

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾. (تین: ۴)

﴿وَصَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ﴾. (غافر: ۶۴)

علامه طباطبایی در ذیل آیه ﴿وَصَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ﴾ (تغابن: ۳) می نویسد:

صورت هر چیز، قیام او و نحوه وجودی اوست. حسن صورت عبارت است از تناسب تجهیزات آن نسبت به یکدیگر، و تناسب مجموع آنها با آن غرضی که به خاطر آن غرض به وجود آمده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۹، ۲۹۵)

### ۳-۱-۴. نعمت حفاظت و امنیت

۱. نعمت حفاظت و امنیت، از دیگر نعمت‌هایی است که امام حسین علیه السلام آن را در چندین فراز از دعای عرفه یادآوری می فرماید که می توان آن را در دو قالب کلی و جزئی در مضامین دعا دریافت کرد. مفهوم کلی نعمت حفاظت، با عبارت «رَبِّ بِمَا كَلَّاتِنِي» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۴) در کلام امام علیه السلام تصریح شده است که با آیه ذیل انطباق دارد:

﴿إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ﴾؛ (طارق: ۴)

هیچ انسانی نیست، مگر آن که نگهبانی بر او موکل است.

امام علیه السلام در فرازهای دیگر، به صورت جزئی تر به این نعمت خداوند اشاره می نماید:

الف) امنیت و محافظت از حوادث روزگار:

أَمِنَّا لِرَيْبِ الْمُنُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسِّنِينَ. (قمی، ۱۳۸۶: ۵۲۸)

در کتاب‌های لغت، «منون» به معنای مرگ است (طریحی، ۱۳۷۵: ۲/۷۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۷۸) و «ریب المنون»، به حوادث و بلیات روزگار معنا شده است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۲/۴۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۹: ۱/۴۴۲) که موجب مرگ می شود.

ب) حفاظت در کودکی: در دو بند از دعا، امام علیه السلام نعمت محافظت در کودکی را یادآوری می کند:

وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيًّا. (قمی، ۱۳۸۶: ۵۲۹)

این عبارت، یادآور این نکته است که حفاظت و نگهداری در استحصال و انحصار مادر نیست. طفل شیرخوار در دوران شیرخوارگی که در آغوش مادر و گهواره نگهداری می‌شود، در مقابل صدها حادثه قرار می‌گیرد که مادران قادر به دفع آنها نیستند؛ یا غفلت دارند یا در خواب هستند در همه این‌ها خداست که با مهربانی از او حمایت می‌کند (نک: زمردیان، ۱۳۸۶: ۷۰). همچنین فراز «یا مَنْ حَفِظَنِي فِي صَغَرِي» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۹) که نعمت حفاظت خداوند را در دوران کودکی به یاد می‌آورد.

ج) حفاظت از جن:

وَكَلَّأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ؛ (قمی، ۱۳۸۶: ۵۲۹)

مرا از وساوس و آزار و گزند جن و شیطان زیرک و زبردست مصون و حفظ داشتی. در قرآن کریم نیز بر این که شیطان از ابتدای ولادت فرزندان آدم، همراه آنهاست تصریح شده است؛ آن‌جا که از قول مادر مریم می‌فرماید:

﴿وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾. (آل عمران: ۳۶)

در تفسیر مجمع‌البیان آمده است که استعاذه مادر مریم از شیطانی است که وقت ولادت کودک با اوست و صدای نوزاد از اوست. بنابراین او از آفاتی که ممکن بود مریم را تهدید کند، ترسان بود و از این رو این دعا را کرد (طبرسی، ۱۳۶۰: ۷۳۸/۲).

### ۳-۱-۵. نعمت مادی

از جمله نعمت‌های مادی مورد اشاره امام علیه السلام در دعای عرفه، نعمت غذا و نوشیدنی، آب و سلامتی، نعمت پوشاک، نعمت وسایل زندگی و انواع معاش، نعمت روزی در بزرگسالی، نعمت اعضای بدن، نعمت خواب و بیداری، نعمت وجود پیامبر، نعمت زاد و ولد، نعمت بازگشت به وطن و نعمت بی‌نیازی است که به شرح آنها می‌پردازیم.

• امام علیه السلام در چند عبارت، به نعمت غذا و نوشیدنی اشاره می‌کند:

وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيًّا وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا... وَمَا انْتَسَجَ عَلَيَّ ذَلِكَ

أَيَّامَ رِضَاعِي. (قمی، ۱۳۸۶: ۵۲۹)

آن حضرت به نعمت شیرمادرکه غذای انحصاری کودک و رشددهنده اوست و اهمیت آن تا جایی است که قرآن کریم به مادران تأکید می‌کند که فرزندان را دو سال کامل از این نعمت بسیار ارزشمند بهره‌مند سازند اشاره دارد که فرموده است:

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ﴾. (بقره: ۲۳۳)

امام علیه السلام می‌فرماید:

رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي ... يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضاً فَشَفَانِي. (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۴ و ۵۳۹)

با درکنار هم قرار دادن عبارت‌های فوق، درمی‌یابیم امام علیه السلام در ذکر نعمت‌های یادشده متأثر از این فرموده حضرت ابراهیم در قرآن است که می‌فرماید:

﴿وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِي وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِي﴾. (شعراء: ۷۹)

• امام علیه السلام درباره نعمت پوشاک فرموده است:

وَعَزِيَانَا فَكَسَانِي ... رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي. (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۹ و ۵۳۵)

آن حضرت با این جملات، به مسئله لباس و پوشاندن بدن که در سرگذشت انسان نقشی مهم دارند اشاره می‌کند. اهمیت این نعمت تا آن اندازه است که خداوند خطاب به فرزندان آدم می‌فرماید:

﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسَ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾. (اعراف: ۲۶)

آن پوشش عضوی است که برهنه بودنش زشت و مایه رسوایی آدمی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۹/۸).

وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَصُنُوفِ الرِّيشِ. (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۰)

از هرگونه وسیله معاش و انواع تجملات در زندگی روزی‌ام دادی.

امام حسین علیه السلام در این فراز از دعا، بهره‌مند شدن از هرگونه وسیله معاش و انواع تجملات در زندگی، از جمله زراعت و گیاهان، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و به مفهوم وسیع

کلمه، تمام وسایل حیات را یادآوری می‌کند؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ﴾. (اعراف: ۱۰)

• آن حضرت با عبارت «یا مَنْ رَزَقْتَنِي فِي كِبَرِي» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۰) به نعمت رزق و روزی در دوران بزرگسالی اشاره می‌کند که در این دوران، اهمیت بسیاری دارد. در این مرحله، انسان برخلاف دوران کودکی با یک نوع غذا که شیرمادر است، به زندگی خود ادامه می‌دهد؛ برای ادامه زندگی به انواع زیادی غذا احتیاج دارد و از راه‌های گوناگون از جمله زراعت و صنعت و صدها راه دیگر آنها را کسب می‌کند که زمینه‌سازشان خداست. خداوند به صراحت بیان می‌کند که روزی دهنده هر مرزوقی است و در روزی دادن، به کمک کسی نیاز ندارد؛ زیرا «ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» است:

﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾. (ذاریات: ۵۸)

• امام علی<sup>علیه السلام</sup> از ۲۹ عضو رئیسه بدن نام می‌برد: «عَلَانِي مَجَارِي نُورِ بَصْرِي» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۱) که اشاره دارد به نعمت چشم: «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ» (بلد: ۸)، «وَجَعَلْ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل: ۷۸)، صفحه پیشانی: «أَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي»، رخنه‌های راه‌های تنفس: «خُرْقِي مَسَارِبِ نَفْسِي»، پرده‌های نرمه بینی: «خَذَارِيْفِ مَارِنِ عَزِينِي»، راه‌های پرده گوش: «مَسَارِبِ سِمَاخِ سَمْعِي»، لب‌ها: «مَا صُمَّتْ وَأَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ»، حرکات زبان: «حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي»، محل پیوست کام دهان و آرواره: «مُعْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي»، محل بیرون آمدن دندان‌ها: «مَنَابِتِ أَضْرَاسِي»، محل چشیدن خوراک و آشامیدن (حلق): «مَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي»، رشته و عصب مغز سر: «جِمَالَةِ أُمَّ رَأْسِي»، لوله (حلق) متصل به رگ‌های گردن: «بُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُتْقِي»، آن چه قفسه سینه آن را دربرگرفته: «مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَأْمُورِ صَدْرِي»، رشته‌های رگ قلب: «حَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي»، شاه‌رگ پرده دل: «نِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي»؛ پاره‌های گوشه و کنار جگر: «أَفْلاذِ حَوَاشِي»، آن چه استخوان‌های دنده‌ها دربردارد: «مَا حَوَّثُهُ شَرَّاسِيْفُ أَضْلَاعِي»، سربندهای استخوان‌ها: «حِقَاقُ مَفَاصِلِي»، انقباض عضلات بدن: «قَبْضُ عَوَامِلِي»، اطراف سرانگشتان: «أَطْرَافُ أُنَامِلِي»، گوشت: «لَحْمِي»، خون: «دَمِي»، موی

بدن: «شَعْرِي»، پوست بدن: «بَشَرِي»، عصب: «عَصَبِي»، ساق: «قَصَبِي»، استخوان: «عِظَامِي»، مغز: «مُخِّي» و رگ‌ها: «عُرْوَقِي». سپس اعضا و جوارح را به طور کلی ذکر می‌فرماید: «وَجَمِيعُ جَوَارِحِي» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۱-۵۳۲).

• امام علیه السلام نعمت خواب و بیداری را با عبارت «وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي» (همو: ۵۳۲) یادآوری می‌فرماید. ارزش حیاتی خواب چنان است که قرآن می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا﴾ (نبا: ۹)

و خواب را برای شما مایه قوام حیات و استراحت قرار دادیم.

حتی بالاتر از این را بیان کرده و خواب را یکی از آیات الهی برشمرده است:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ﴾ (روم: ۲۳)

• امام علیه السلام وجود پیامبر صلی الله علیه و آله را نعمتی برای مسلمانان می‌داند و می‌فرماید:

الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ. (قمی، ۱۳۸۶: ۵۴۶)

این جمله با آیه ۱۰۷ سوره انبیاء منطبق است که فرمود:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای همه انسان‌ها در تمام اعصار و همه مکان‌ها رحمت است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۵۰۷/۷)؛ حتی برای کافران که به واسطه او کفرشان به تأخیر افتاد و آنها به برکت وجود او از عذاب ریشه‌کن کننده دنیا در امان ماندند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۸۱/۴).

• نعمت زاد و ولد (تکثیر):

وَحِيدًا فَكَثَّرْنِي؛ (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۹)

تنها بودم زیادم کرد.

منظور از کثرت در کلام امام علیه السلام زاد و ولد و تناسل نسل است. خداوند در آیه ۷۲ سوره

نحل این نعمت را به یاد می‌آورد و می‌فرماید:

﴿وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَيْنًا وَحَفْدَةً﴾.

بدون تردید، وجود فرزندان و نوه‌ها در اطراف هر کس، نعمتی بزرگ برای او است که هم

از نظر معنوی او را حمایت می‌کنند و هم از نظر مادی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱/۳۱۶).

• نعمت بازگشت به وطن:

غَائِباً فَرَدَّنِي؛ (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۹)

در دوری از وطن بودم و او بازم گرداند.

بازگشت از سفر به اراده حق و توفیق اوست، وگرنه ممکن است انسان در مسافرت با انواع اقسام خطرها روبه رو گردد. از این رو امام علیه السلام این نعمت خداوند را یادآوری می‌کند. در قرآن نیز به بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر اشاره شده است؛ آن جاکه می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾. (قصص: ۸۵)

• نعمت بی‌نیازی:

رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي؛ (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۴)

به آن چه مرا توانگر و بی‌نیاز کردی و ذخیره و اندوخته‌ام بخشیدی.

آن حضرت در این عبارت، هم به مرحله بی‌نیازی و هم به مرحله سرمایه‌داری اشاره کرده است. این کلام امام علیه السلام به آیه «وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ» (نجم: ۴۸) اشاره دارد. در جایی دیگر نیز می‌فرماید:

غَنِيًّا فَلَمْ يَسْأَلْنِي ... مُقَلًّا فَأَغْنَانِي. (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۹)

۳-۱-۶. نعمت‌های معنوی

امام حسین علیه السلام در فرازهایی از دعای عرفه نعمت‌های معنوی خداوند به انسان را یادآور می‌شود؛ نعمت‌هایی مانند عبادت، تکلیف و اتمام حجت، دفع بلا، توفیق، عافیت، هدایت، نصرت، معرفت و برگزیدن.

امام علیه السلام می‌فرماید:

وَأَوْجِبَتْ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ. (همو: ۵۳۰)

عبادت به معنای نهایت تذلل و خواری در مقابل مولا به همراه اطاعت است (جوادی

آملی، ۱۳۷۹: ۱/۲۹۲). قرآن کریم هدف از آفرینش را عبادت معرفی می‌کند:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾. (ذاریات: ۵۶)

سیدالشهدا علیه السلام در عبارتی دیگر می‌فرماید:

وَخَرَكَاتٍ رُجُوعِي وَسُجُودِي. (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۲)

آن حضرت در این فراز از دعا به دورکن ازارکان نماز اشاره می‌کند که هر دو از صفات مؤمنان شمرده می‌شوند؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعِبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾.

(حج: ۷۷)

امام علیه السلام در عبارت «أَوْجِبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۲۹) تأکید می‌فرماید که خداوند! حجت و برهان خود را بر من تمام کردی. این حجت و برهان به وسیله راهنمایان متعددی در کلام امام علیه السلام تمام می‌گردد؛ راهنماییانی مانند الهام قلبی (أَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ) (همو)؛ القا به قلب با وسایل و ظرافت‌های خلقت (رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ) (همو)؛ تنبیه و بیدار ساختن با دلایل و آیات خلقت که در موجودات نشر شده است (وَأَيَّقْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ) (همو)؛ تفهیم الهی (وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلِكَ وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ) (همو: ۵۳۰).

امام حسین علیه السلام با عبارت‌های مختلف در دعا، نعمت دفع بلا را یادآور می‌شود: «صَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النَّقَمِ» (همو)، «وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ»، «تَشْبِيبِ الْيُسْرِ»، «كُشْفِ الضَّرِّ» و «وَدَفْعِ الْعُسْرِ» (همو: ۵۴۳). نعمت توفیق نیز از دیگر نعمت‌های مورد اشاره امام علیه السلام است که آن را با عبارت «وَفَقَّتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي»؛ و به آن چه مرا به درگاهت مقرب می‌سازد موفقم داشتی» (همو: ۵۳۰) یادآوری می‌کند.

امام علیه السلام با عبارت «وَالْعَافِيَةَ فِي الْبَدَنِ» (همو: ۵۳۴) به سلامتی جسمی اشاره می‌کند که از نعمت‌های بزرگ خداست؛ چون اگر برای انسان در دنیا تمام اسباب و وسایل راحتی از قبیل مال، مقام، اولاد، علم و... فراهم باشد، اما از نعمت عافیت و سلامتی بهره‌ای نبرد، جهان و زندگی در آن برایش سخت خواهد بود (نک: نقوی، ۱۳۷۱: ۱۵۴). امام علیه السلام با



عبارت «وَفِي نَفْسِي عَافِيَتِي»، عافیت نفس را یادآوری کرده و می‌فرماید:

خدایا! تو بودی که نفسم را از آفات و امراض روحی نگاه داشتی و نگذاشته‌ای دچار رخنه‌ای شود.

آن حضرت در عبارت «رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۴) به نعمت هدایت اشاره دارد؛ چرا که هر انسان، از لحظه تولد تا هنگامی که چشم از این جهان فرومی‌بندد، همواره تحت حمایت و ارشاد و هدایت زندگی می‌کند (نک: نقوی، ۱۳۷۱: ۱۵۴)؛ همان‌طور که خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْفَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ (طه: ۵۰)

﴿وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى﴾ (اعلی: ۳)

امام علیه السلام با عبارت «یا من... مُنْتَصِرًا فَتَصَرَّنِي» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۴)، نعمت نصرت خداوند را یادآوری می‌کند که به معنای عام کلمه است و نصرت در دنیا و آخرت و نصرت در مادیات و معنویات و... را دربرمی‌گیرد (نک: نقوی، ۱۳۷۱: ۳۰۱). خداوند در آیات مختلف به این نعمت اشاره فرموده است:

﴿بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ (روم: ۵ و نیز نک: صافات: ۱۷۱-۱۷۳؛

روم: ۴۷؛ حج: ۴۰؛ غافر: ۵۱)

امام علیه السلام در عبارت «جَاهِلًا فَعَرَّفَنِي» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۹) نعمت علم و معرفت را معرفی می‌کند. آن‌چه از ظاهر کلام امام علیه السلام به دست می‌آید، این است که مقصود از جهل در کلام ایشان، جهل به خداوند و صفات اوست و غرض از معرفت، شناختن حق است و همین نعمت معرفت است که در رأس تمام نعمت‌ها قرار دارد (نقوی، ۱۳۷۱: ۲۹۵). این کلام امام علیه السلام اشاره‌ای است بر این‌که معرفت را باید خدا عطا کند و کسی که خدا به او معرفت داد، همه چیز دارد.

حضرت اباعبدالله علیه السلام در عبارت «رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۴) به نعمت برگزیدن اشاره می‌کند. برای این کلام امام علیه السلام دو احتمال می‌توان در نظر گرفت؛ ۱. احتمال برگزیدن به مقام امامت و ولایت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم؛

۲. برگزیدن به مقام انسانیت؛ چون انسان اشرف موجودات و خلیفه الله است:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾. (بقره: ۳۰)

احتمال اول ارجح است؛ زیرا همان طور که انبیای عظام، همه برگزیده حق تعالی هستند، ائمه هدی علیهم السلام نیز برگزیده و منتخب از طرف پروردگار عالم اند.

### ۲-۳-۳. روش احسان در برابر اسائه

این روش تربیتی در دو بند از دعای عرفه قابل دریافت است:

لَمْ يَنْتَعِكَ جَهْلِي وَجُزَاءُ قِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقْرَبُنِي إِلَيْكَ؛ (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۰)  
نادانی من تو را باز نداشت که مرا به آن چه به سوی تو نزدیک می‌کند راهنمایی کنی.

يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ بِالْأَسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ؛ (همو: ۵۳۹)  
ای خدایی که مرا در خیرات و نیکی‌ها مستغرق ساختی، ولی من در عوض احسان تو راه عصیان و اسائه در پیش گرفتم.

بی‌گمان جزای احسان، احسان است، نه عصیان و طغیان؛ و این دلیل بر کرم لطف حق و بی‌لیاقتی و ناسپاسی بنده است (نک: نقوی، ۱۳۷۱: ۲۸۳).

این کلام امام علیه السلام بیان‌کننده آن است که می‌تواند زمینه ندامت و بازگشت را در فرد خطاکار به وجود آورد و خود نوعی ملامت و عتاب به وی به شمار می‌آید. انسانی که به شخص خطاکار احسان می‌کند، برایش الگو می‌شود و درس نیکوکاری می‌دهد و بدین وسیله، وجدان او را بیدار و متأثر می‌سازد؛ به طوری که فرد خاطی متأثر از این احسان اظهار شرمساری می‌کند. بنابراین، احسان، به عنوان نوعی تنبیه محسوب می‌شود و فرد را به اظهار ندامت وامی‌دارد. البته به کاربردن این روش در همه جا و نسبت به هر کس و در هر شرایطی صحیح و مؤثر نیست؛ بلکه اگر درست انجام نگیرد، ممکن است آثاری سوء به همراه داشته باشد. مربی باید موارد را خوب بررسی کند و هر جا صلاح دانست، این روش را به کار گیرد (مطهری، ۱۳۶۹: ۳۶۵).

درباره اهمیت این روش، همین بس که خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾. (فصلت: ۳۴)

همچنین درباره احسان در برابر اسائه، احادیث بسیاری از معصومین علیهم السلام روایت شده که حاکی از تأکید آنان بر این روش در تربیت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ خَلَائِقِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَتَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ  
الإِحْسَانُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَإِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ. (مفید، ۱۴۱۳: ۱۸۱)

امام علی علیه السلام نیز فرمود:

عَاتِبَ أَحَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَازْدُدْ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۳۳۹؛  
تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۳۴)

### ۳-۳-۳. روش الگوگیری از داستان‌های قرآن

از جمله روش‌های بسیار مؤثر تربیتی، نقل داستان و پی‌گیری سرگذشت قهرمانان است که شنونده و خواننده آن، به رموز موفقیت و شکست آنها پی ببرد و راه ترقی و تعالی را برای خود مشخص سازد (الهامی و احمدی، بی تا: ۱۴). زبان قصه یا داستان سرایی از روش‌های آموزشی دارای جاذبه و نفوذی ویژه است که از طریق آن می‌توان تأثیرش را در افراد مشاهده کرد. قرآن کریم از این شیوه برای هدایت مردم استفاده کرده است (اعرافی، ۱۳۷۹: ۲/۲۵۱). خداوند در آیه ۱۲۰ سوره هود می‌فرماید:

﴿وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ  
مَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ﴾.

امام حسین علیه السلام نیز از شیوه داستان سرایی قرآن کریم الگو گرفته و به ذکر داستان‌هایی به شکل گذرا با دو هدف الگوگیری از شخصیت انبیا علیهم السلام و عبرت‌آموزی از سرگذشت پیشینیان اشاره کرده است. در عبارات امام علیه السلام می‌خوانیم:

يَا مُقَيِّصَ الرُّكْبِ لِيُوسَفَ فِي الْبَلَدِ الْفَقْرِ وَخُرْجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ  
مَلِكًا يَا رَادَهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَ  
الْبَلَاةِ عَنِ أَيُّوبَ وَتُمْسِكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِيهِ وَفَنَاءِ عُمَرِهِ يَا مَنْ  
اسْتَجَابَ لِرُكْرِيَا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَىٰ وَلَمْ يُدْعِهِ فَرْدًا وَحِيدًا يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ  
الْحُوتِ يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمَغْرُوقِينَ.

۳-۳-۱. الگوپذیری از داستان انبیا

نخستین پیامبری که امام حسین علیه السلام به داستان او اشاره کرده، حضرت یوسف علیه السلام است. اشاره آن حضرت به قصه حضرت یوسف علیه السلام و رسیدن قافله و بیرون آوردن او از چاه است که فراهم آورنده اسباب آن کسی غیر از خداوند نیست. یوسف علیه السلام همواره به درگاه خداوند استغاثه می‌کرد. جمله «وَجَاعِلُهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ»، به این مطلب اشاره دارد که تا یوسف از خود لیاقت عبودیت نشان نداد، به جایی نرسید؛ چنان‌که در آیه «وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ» (یوسف: ۶) تصریح شده که خداوند نعمت خود را بر یوسف علیه السلام تمام کرد. تمام شدن نعمت بر آن بزرگوار بر این بود که خداوند به او حکمت، نبوت، مُلک و عزت داد و افزون بر آن، او را از مخلصین قرارداد و به او علم تأویل احادیث آموخت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸۲/۱۱).

امام حسین علیه السلام با اشاره به داستان حضرت یعقوب علیه السلام، توکل و صبر این پیامبر را یادآور می‌شود که این ویژگی‌ها در لحظات و مراحل سخت زندگی، الگویی برای انسان‌های مؤمن باشد. برای حضرت یعقوب علیه السلام در طول زندگی، مصیبت‌ها و حوادث تلخ بسیاری پیش آمد که در رأس آنها، فراق سالیان متمادی یوسف - عزیزترین فرزندش - بود. از دست دادن یوسف برایش سخت‌تر از آن آمد تا جایی که بر اثر غم و اندوه و گریه‌های فراوان، بینایی چشمش را از دست داد. استقامت، شکیبایی، توکل و اعتماد حضرت یعقوب علیه السلام در مصیبت‌ها به حدی بوده که می‌توان او را اسوه صبر و برابری دانست.

امام حسین علیه السلام با عبارت «يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلَاءِ عَنْ أَيُّوبَ» رنج و بلاهای حضرت ایوب علیه السلام را یادآور می‌شود. در طول حیات حضرت ایوب علیه السلام نیز مصیبت و بلاهای بسیاری بر او وارد شده است. از دست دادن تمام فرزندان و از بین رفتن تمام دارایی، از جمله بلاهایی است که به وسیله شیطان برای او پیش آمد؛ ولی هیچ‌گاه یاد خدا و تضرع به درگاه او را از یاد نبرد. امام علیه السلام در این فراز، از صبر و استقامت حضرت ایوب علیه السلام می‌گوید که به همه مسلمانان آن روز و امروز و فردا، درس مقاومت در برابر مشکلات و ناراحتی‌های زندگی دهد و به پایداری دعوت کند و عاقبت محمود این صبر را روشن سازد.



داستان مأمور شدن حضرت ابراهیم علیه السلام به قربانی کردن فرزندش اسماعیل علیه السلام - فرزندی که در دوران پیری پدر متولد شد -<sup>۱</sup> از دیگر داستان‌هایی است که امام حسین علیه السلام از قرآن کریم الگومی‌گیرد. این کلام امام: «وَمُمَسِكَ يَدَيَّ اِبْرَاهِيمَ عَن ذَّبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كَبَرِ سِنَّةٍ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ»، به آیات ۱۰۰ - ۱۱۰ سوره صافات اشاره دارد که حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند فرزندی صالح می‌طلبد. امام علیه السلام با اشاره به این داستان، صفت تسلیم و رضای حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت اسماعیل علیه السلام را یادآور می‌شود که پدر تسلیم مأموریت الهی شد تا عزیز و میوه دل خود را به مسلخ ببرد و تمام علائق خود را در برابر یکتای بی‌همتا ذبح کند و پسر را ضعیف به تسلیم مأموریت پدر گردید و این اوج تسلیم آنان در محضر خداوند است. از دیگر پیامبرانی که امام علیه السلام به عنوان الگوی تربیتی نام می‌برد، حضرت زکریا علیه السلام است:

يَا مَنِ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَّبَ لَهُ يُحْيِي وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا.

این کلام امام، به زندگی حضرت زکریا علیه السلام اشاره دارد که با سن بالا هنوز فرزندی نداشت و از سوی دیگر، دارای همسری عقیم و نازا بود. او آرزوی فرزندی را داشت که بتواند برنامه‌های الهی او را تعقیب کند و کارهای تبلیغی نیمه‌تمام نماید. در این هنگام با تمام قلب به درگاه خدا روی آورد، تقاضای فرزندی صالح و برومند کرد و با دعایی که توأم با نهایت ادب بود، خداوند را خواند:

﴿وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾. (انبیاء: ۸۹)

عبادت و توجه باطنی خالص به خدای بزرگ و امید به درگاه الهی، از ویژگی‌های بارز حضرت زکریاست که امام علیه السلام در این بند از دعا به آن اشاره دارد.

امام حسین علیه السلام در عبارت «يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ»، داستان زندگی حضرت یونس را یادآور می‌شود که خداوند در آیات ۱۳۹ - ۱۴۷ سوره صافات و آیات ۸۷-۸۸ سوره انبیاء به آن اشاره کرده است. وجه بارز شخصیت حضرت یونس علیه السلام این

۱. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ». (ابراهیم: ۳۹)

است که در هنگام سختی و امتحان و در زمان آسایش و راحتی، همواره تسبیح‌گوی الهی بود و این تسبیح و ثنای دائم، او را از زندان دریا نجات بخشید و اگر از تسبیح‌کنندگان نبود تا روز قیامت در دل ماهی می‌ماند:

﴿فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾. (صافات: ۱۴۳-۱۴۴)

منشأ این راز و نیاز و ذکر پیوسته خداوند، ایمانی بود که در دل یونس علیه السلام موج می‌زد که در سخت‌ترین شرایط، منجی او شد.

از دیگر داستان‌های قرآنی مورد اشاره امام حسین علیه السلام، داستان توبه ساحرانی است که در مقابل حضرت موسی علیه السلام حاضر شده بودند:

يَا مَنِ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ وَقَدْ عَدَا فِي نِعْمَتِهِ يَا أَكْلُونَ رِزْقَهُ  
وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ وَقَدْ حَادَّوهُ وَنَادَّوهُ وَأَذَّبُوا رُسُلَهُ.

این داستان در آیات ۶۴ - ۷۳ سوره طه آمده است. ساحران به سبب علمی که به سحر و جادو داشتند، هنگامی که دیدند عصای موسی به ماری بزرگ تبدیل شد و سحر آنها را باطل کرد، ایمان آوردند.

۳-۳-۲. عبرت‌آموزی

از دیگر اهداف نقل داستان در دعای عرفه، عبرت‌آموزی است. عبرت یعنی انسان از شناخت و معرفت به یک مسئله، به شناخت و معرفت مفهومی دیگر برسد. آیت الله جوادی آملی در این باره می‌نویسد:

عبرت گرفتن، یعنی از صفات بد به صفات خوب عبور کردن؛ اگر کسی حوادث روزگار را ببیند و از صفت بد به صفت خوب عبور نکند، نمی‌گویند او عبرت گرفت؛ می‌گویند: تماشا کرد؛ ولی اگر از صفت بد و زشت به نیکی عبور کرد، می‌گویند اعتبار و عبرت گرفت. (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۱۳۲)

از جمله داستان‌هایی که در دعای عرفه با این هدف آمده، داستان نجات یافتن بنی اسرائیل و غرق شدن فرعون و سربازانش در دریاست. عبارت «يَا مَنْ فَلقَ الْبَحْرِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنجَاهُمْ وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُعْرَقِينَ» مطابق است با آیه «فَأَنقَمْنَا مِنْهُمْ

فَأَعْرِضْنَا لَهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ﴾ (اعراف: ۱۳۶). براساس آیات ۱۷ - ۲۶ سوره نازعات، دلایلی چند برای نزول عذاب بر فرعون وجود دارد؛ او طغیان‌گرو سرکش بود و پس از آن که موسی علیه السلام آیات بزرگ خدا را به او نمایاند، باز هم ایمان نیاورد و او را تکذیب نمود و از خدا و رسول نافرمانی کرد. سرانجام نیز ادعای ربوبیت کرد و آن گاه که کاربدین جا رسید، گرفتار عذاب الهی شد. داستان غرق شدن فرعون و قوم او برای هر کسی که غریزه ترس از بدبختی و شقاوت را وجود خود دارد، عبرتی بس بزرگ است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی و تحلیل‌های مناسب در مضمون دعای عرفه به نتایج زیر دست یافته است:

۱. امام حسین علیه السلام در دعای عرفه به بهترین نحو از مبانی تربیتی بهره برده و مهم‌ترین مبانی مورد استفاده ایشان، خداگرایی فطری و کمال‌گرایی است که در وجود هرانسان نهفته است. ایشان با بررسی این دو مبنا در بُعد دنیوی و اخروی به خوبی نشانه‌ها و آثار و راهکارهای بالفعل کردن آنها را در قالب دعا تبیین می‌فرماید.
۲. امام علیه السلام در بیان معارف دینی و تربیتی در دعای عرفه به طور پیوسته از یک اصل مهم تربیتی بهره گرفته و آن، اصل تداوم و تدریج است. سیر تربیت، امری تدریجی است و با استمرار تحقق می‌یابد. با دقت نظر در دعای عرفه امام حسین علیه السلام روشن می‌شود آن حضرت نیز به تدریجی بودن این امر توجه داشته و اهداف و اغراض خود را در این دعا به صورت مداوم و پیوسته بیان می‌دارد و به شدت به این اصل پای بند است.
۳. امام حسین علیه السلام در دعای عرفه به ذکر مهم‌ترین روش‌های تربیتی در قالب دعا پرداخته است. ایشان به روش‌هایی از قبیل روش یادآوری نعمت‌ها، روش احسان در برابر اسائه و روش الگوگیری از داستان‌های قرآن اشاره فرموده و به صورت کاربردی این روش‌ها را در دعا به کار بسته است. با تحلیل دقیق معارف دعای عرفه، دریافتیم که امام علیه السلام با روش یادآوری نعمت‌های عنایت، آفرینش، کیفیت آفرینش، امنیت و حفاظت، نعمت‌های مادی و معنوی به تربیت عملی مسلمانان پرداخته است. ایشان با ذکر

خلاصه‌ای از داستان زندگی انبیایی مانند یوسف، یعقوب، ایوب، ابراهیم، زکریا و یونس علیهم‌السلام و نیز بیان داستان ایمان آوردن ساحرانی که در مقابل حضرت موسی علیه‌السلام قرار گرفته بودند و غرق شدن فرعون و پیروانش، به خوبی از روش الگوگیری برای تربیت استفاده فرموده است.





## منابع

- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۹ق)، لسان العرب، بیروت، دارالفکر.
- اسدی گرمارودی، محمد (۱۳۶۹ش)، درس‌هایی از تربیت اسلامی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجا.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۷۹)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران، انتشارات سمت.
- الهامی، علی اصغر؛ محمدرضا احمدی (بی‌تا)، تعلیم و تربیت در اسلام، بی‌جا، مؤسسه تحقیقات نشر معارف اهل بیت:.
- امین‌زاده، محمدرضا (۱۳۷۶ش)، فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی، بی‌جا، انتشارات در راه حق، چاپ اول.
- امینی، ابراهیم (۱۳۷۸ش)، تعلیم و تربیت در اسلام، بی‌جا، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- باقری، خسرو (۱۳۸۶ش)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه.
- بروجردی، حسین (۱۳۸۶ش)، جامع احادیث الشیعة، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دارالکتاب الإسلامی، چاپ دوم.
- ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲ش)، اسرار عبادت، بی‌جا، انتشارات الزهرا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹ش)، مراحل اخلاق در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶ش)، ادب فنای مقربان، قم، نشر اسراء، چاپ چهارم.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت،

- دارالفکر.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۳۴ش)، سیری در تربیت اسلامی، بی جا، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت دارالعلم - الدار الشامیة.
- زمردیان، احمد (۱۳۸۰ش)، وصال العارفين، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سید رضی، حسین بن محمد (۱۳۸۴ش)، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، طلوع مهر.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۰ش)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات فراهانی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷ش)، جوامع الجامع، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران، نشر مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تصحیح: محمد باقر خراسان و حسن الموسوی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، قم، نشر هجرت.
- فرهمینی فراهانی، محسن (۱۳۷۹ش)، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران، اسرار دانش.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- قمی، عباس (۱۳۸۶ش)، مفاتیح الجنان، قم، انتشارات انصاریان.

- کاردان، علی محمد و دیگران (۱۳۸۶ش)، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات سمت.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش)، عیون الحکم و المواعظ، قم، دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مدرس بستان آبادی، محمدباقر (۱۳۷۹ش)، شرح دعای عرفه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمد تقی (بی تا)، خودشناسی برای خودسازی، بی جا، مؤسسه امام خمینی علیه السلام، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹ش)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، الأمالی، قم، کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۴۴ش)، آفریدگار جهان، بی جا، کانون انتشارات محمدی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- موسوی کاشمیری، مهدی (بی تا)، روش های تربیت، بی جا، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت.
- نقوی، محمدتقی (۱۳۷۱ش)، شرح دعای عرفه، بی جا، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
- هوشیار، محمدباقر (۱۳۷۲ش)، اصول آموزش و پرورش، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی